

11

در این حوار کوچک و کم محتواست
که معاویه اس ایس از کنستانتین
در پرسی مرحلات و متدی اطلاع
میشود.
لطفن - چنانکه شنید گزاری ایشان
اعلام میدهند به یوسفیان افزایش اراده
آمریکی بر طبق شنیدنگاری که از آنرا در
بک همانه هموارا بازیگر گفت
هزاره گردید در زیر دنگ از آنها
نه روزگاریان را غرق گردید و نه
هواییا بر صفت مستثنا و راهنمای
تازی ایشان است و موقتی از هوا
های افزای اشاره نکار خواه گفت
که آنها را بخوبی گردید است برای اینکه
آنها را شناسد گفت مبلغ اعزامی از آنها
نه بازگردید و همچنانه از آنها مطلع
هر چند گزارش کامپانی در این
رسیده بخوبی موقتی همچنانه
تازی از بروک موقتی های درخواست
و اینها در سمت رهبر ایشان
در آنهاست و متدی از اینهاست
مالک دلسی - ف ایشانه هدف
نیزه ایشان

و ضاع مالت ولیمی - فرانسه هنوز قرنده است

اسدان گشتهای دفعهن - اثکار اف شاد باش
لندن - هر گز از اینکس خر
بخدمت اداره احکامات و زارت هوا پیش
و رام عده های موظت آمریکی کامو
پیش های استیل های افسوس از باعث
گیری از گذشتگانی دفعه نموده بخوبی
در پوشیدن از اینها است
پسندیده از هوا پیش های شکاری
ما علی صفت، گذشت چون موده از ازرو
نهاده از برای اینکه گذشت گذشت
کنی از پاکه هفته در تزویج
و همچون از نهاده از گذشت از
آن کوک از آرزو از نموده همانکجا
نهاده از گذشت چون موده
نهاده از راه را که میگردیده و مده
پیش های از هدایت های از رو و مده
نهاده از راه را بخوبی که فرماده از
آیه های مذهبی از اینکه کوچک
نهاده از اینکه گذشت گذشت شده
را از نموده و خلاصه و گذشت
گذشت که گذشت بخوبی در حال هرچیز
نهاده از نموده و نموده هوا پیش های
و همچون از نهاده از آنکه سه ایام
خطب گذشت و از آنچه هر راه کنی
من در بور بوره از مدفعه همه و
نهاده از ایکنی دفعه را بخوبی کرد
مشترکه و گذشت از آن ها در حد
ایمان شد

مسکو - پاکستانی گرفتار افغانستان
ملاع بندہ کاریں ریس قوای اسلام
امداد صورتی خودروی چانس ہمولوگان
کے بھرخ شہر کے پختہ لکھن لکھن اف
لند بات مسٹنے کی وی بھرخ کاریں
ہم موقوفت ملت ملک را کہ اپنے
امداد صورتی خودروی و دینگ لہیاں
مومنان آزادی سر خدا و دھنگی پیاس
ہندی ہا غر زد و خودہ من ملکہ دن
ہو اسٹ کردا است۔ پختہ لکھن اف
دو پیاس ہیں المیر دادہ است از
امداد شانست شش نیروں مون کے
اور سفرنے کا افسن مشترک ہما دست افغان
کے لئے پختہ لکھن اف گیر کردا
آزادی دادہ است مسٹنے ساکاراں اف

در باربس چه مخبر امت؟ - دادگاه آنکارا

عام حجت ثلث چک - یونان مبارزه میکند
اوس ۱۹۴۸ بازداشت شد و همچنان تزاره
که افگان زبان آشنا داشت همچو مردم و این
بله بیرونیان میباشد و این میراث همه بر
نهاد اسلام و ایمان و ایوان آنها
پوشیده است و این اسلام و ایمان همچنان
برای ملک و ملکوی شده است که مکانی
میتواند نشانه اسلامی شود اما کنمیش
آن ایمان تقویت و تقدیم شود اما از این‌ها
نهاد اسلام و ایمان ایمان میگذرد
لکن ایمان است اولی کسریان نیستند از
دوشنبه شاهزاده ایشان در ۱۷ آن هفته اسلامی و نهاد
از ایمان اسلامی شکل خواهد داشت و این
است اینسته ازمه و مادری سال ۱۹۴۵
۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ و شاهزاده ایشان ایشان
و آنها و ایوانها میباشد اینسته کرد
و این روزگاری ایشان همراه باشند

لطف. چنانکه شرک کاری از اینکس
املاع مقدم معلم این از هر چیز
و فلاح شنی مده گذشت در پیشواست کیم
سیار راضی بود و اهلی مدارس کرد
شناخت کیم اندیشه کسر نوادرانه بود
روی اینها ریاست از حسین شمس الدین مکنی
روی شنید که این سرمه می دست
هزایشان را برخوبی را که از شرطی
می باشد بر قدر که باید از گزند آید
بیرون شدن داد است
روزی شاه نیز سرمه که بروز
تریخی (این) بود است مگن منزد
و شناخت سیار شد است. شاه است که
بروز در عربی (این) دور از احاطه گشت
و شاه مکنی هم که در این دور
توالا و مور است که شاه مکنی که مل
خود را خود کرد. شاه مکنی که میر شاه
کاری که شاه مکنی که شاه کرد
آمد است میری شاه بود که هج
جهود اینکه در میان شاهزاده های
عمل آن را باشی میر احمد میر
او شاهزاده

در	که همان دارنده معلماتی امیر امور ایزد است و این به سبک سه گوش فرموده است و کوک چشم طبل دارد
و	بر اثر حربه ایست و زوارت چند دنیاها
شی	پیش مس کاری ایزد امیر ایزد خوب است شدو در همچهل اوریل شوکوس
نمود	مرستاد است
است	روزی بک
لایز	لایز چشمی ایزد
جروح	سو ایزد ملکه ایزد است
پسر	الله ایزد
روزی	در شاهزاده ایزد است
در	و در پیانی آندریک میخائیل هوانی شده
در	خواه راه راهه بودی ایزد که چنگی نداشت
در	آنداشیده ایزد است
وارد	کلوزوس یا کلوزوس یا کلوزوس
راست	کلوزوس یا کلوزوس یا کلوزوس
جروح	هر ومه عذری خواهد گرفت نام مصوی ایزد
پسر	نامه سکندریت است ایند ایزد ایشان و
لذن	کلنس ایزد
لکس	لکس ایزد
ایشان	لکس ایزد
میتو	لکس ایزد که گردانید
و	واسد ایزد ایشان است ایشان دست گردید
روزمن	روزمن وی هنرکن و سکله لکتر و مبار
و	آرمه و سند

امیر کیا تھا کوئی سماں ہے
انگلیسی خوار بارے و مارے بارے
دوسرے دن ملکیت اپنے دست است
ہمارے دن بخوبی دنلو رواہ آہماں برے^۱
بارے بارے بارے بارے بارے بارے بارے

جز امریکی اور انگلیسی
دیکھ رہا تھا تو مولیلہ وہ
دلائے کیا کہ ناسیں ویکم و
انگلیسی کیا کہ ناسیں ویکم و
گھریلوں افسار شدہ کہ در اخراج
امریکہ عظیٰ نالوں وام و اچھوں
بالکل افسار شدہ میتے نام
دوسرے دن بخوبی دنلو رواہ آہماں برے^۱
بندے و مہمندے اپنے دست است
یعنی امریکے کیک میں میں
یعنی از ارواح جعلی بیرون ما در جو پھل
با خلیلی سہارہ میں سریان اس رجھ
بلکہ بیداری سے و آئی کزان را دے
راہت سماں صاریح سریان دعوی
میان حنکاری مانہ بیرونی مانوں نکرسن
چینی اسری گرد گشکری لے سریان
صریح طلاق و خوار بارے
تو طلاق راء آئی دعوی دا کہ ای از
سریان بود ای خط دی از اور دیشہ در شیخہ
بیوارہ دا کیک بیزار آلات مکی و دو
واکن مصوس دا از کھمیں و چینی
حلاکت روز تو بھائی
واکن دیکھ کہ بیزار سریان بود نایو
گفته دشت امریک سریان اسیو هم
کٹھے و زمین شدہ دست اخراج داعر
بریو شدروی سترے ملکی اسیو
مددو دا اکاریکر

نظام پیر کم بر سرت *
بس از ایاصی بر پر کل دید
صهیر خودروی در مده آگری
اسمه و خودروی بزرگی خود
کردند، اشکان کن کنی و مال
که در این سه شدن مله دید
فرجه رسید پاک محمود شد
کنکن همچنان گردانیدنی کن که
را پنهان آمکه که هرچوک شکست
پدرانش

منتهی غوری که اگون
آن مواده که موضع روای
بپنداش است که پیشتر با منع
آن امده شد به این مدت سپاه کار
سازی ای ایامی جنگ بزیر
نرس ای اگون جنگ همیشے اسلحه
آن را زیر مرحله سقی شدند

را از پای در آوردند * در شکو او
ای توتوکو ۴۰ و کارائیش سرمهزان
سرخ آن روز ای ایل و داشانگی
کردند، سکسی از گمکویان خبر
خانم خودروی در مده نرم منجع (۱) امن
شیلت در خواهی اوکن و هستی
از همچین آنلای را کنند و سه
سیز گردند و بزیر سانک و جه
کامون دفعی را ناید کردند

رجهاره در نون و هفت، بیلوب دلارا
و شکتهای بی دری - ارسال مدل
است که در حیثیت امریکه همچوین
سوسی سوکی کشور های معنی دوان ای
اگون و شده که اشنان شنگکری و مسی
و درباره ای ماده اندک که از روی خل و
حاجات ای ایسی بیکف را موجه شد
مکرمه و مدر آن اهم
اکسی و امریکا ایلات معمتم
جنون پادشاهی ایروان

دیواره دنود و هفت میلیون

وَسَهْيَةٍ يُنْزَلُونَ
جَنَاحَةٍ كَمَرَكَارِي
أَسْتَكَهُ دَرِسْفَتْ كَالْأَدَمِي
سَلْ سَرْقَدَيْ كَلَمَانِي
اَكْبُونَ وَضَطَّهُ كَلَشَانَ لَكَ
وَرَدَّهَارِيْ هَادَهُ كَلَكَهُ كَلَ
حَاجَهُ أَنْ بَهُوْ شَكْرَفَهُ
دَعْشَنَ بَاهَهُهُ
اَكْبُونَ وَرَسَكَهُ كَلَ
جَنَاحَةٍ يَنْدَلُونَ

لندن -
کلیسیا سندهما
اسامونیل پادلر
آن آلبایه در
لندن کنستانتین
مکو -
کامپانی اسپلش
لندن چشم (لوئی)
حفلات ناتک و
نهاده با ایمیل
فریده رای آسپرین
پیار شدید
لندن های جهادی
لندن سرا
آن اعلام و اذکار
آن شوری و
آن میر مدنی

آشنا ملک
نهاده شد
شیخ هریک
نمودنگاری
کرد که در
نهاده و نجات
نهاده
دور اینکاری
نهاده برآمد
نهاده بروزگران
نهاده را ایجاد کرد
نهاده مکاری
نهاده مکاری
نهاده مکاری

من هم شد
کنی از مرد
بیوچ اعلام کرد
برو های کنی
دری پرسه سا
آست همه لی
آلات چنگی
و دسته هوا
از مو اشاره
زده و به سر
مساوی بین
مویی بین اکبره
عای خد هوا
یکه تمام داد
عای سب اشک

برد و حل از
چوبی از
شود و در
نمایش
سازی می‌شوند
هر چند هم
که این
مکو-
پرس اسلامیه
طرف اداره
شهر هزار
هزار

